

دورنمای بازار نفت و

آینده اقتصاد ایران

از: دکتر حسین عظیمی استاد دانشگاه

شرایط اجتماعی و اقتصادی اقتصادی می توانست می باید که بتواند به نحو برخورد استنها با تحولات و روندها ارزیابی شوند. موفقیاتی از قبیل افزایش و کاهش در آمد ملی، رونق و یا رکود اقتصادی، محدودیت و یا کشش در امداد ارزی هر یک در صورتی که برپروژه سازنده و برنامه ریزی شده با آنها

پسرو می توانست به عنوان سکوی پرتاب برای مراحل متکامل تر و متعالی تر آینده تلقی شوند و در همین حال باز برخوردی غیر اصولی و بی برنامه نیز می توانست فقر و ضعف را در جامعه حاکم کرده و بنیه اقتصادی کشور را تضعیف کنند. در این راستا شرط موفقی این است که شرایط موجود شناخته شده، چشم انداز

آینده بطور تدریجی شود و بدینسان آن با توجه به امکانات و توانمندیهای موجود برنامه ای واقع بینانه تهیه و تدوین شود.

مقاله زیر با این چشم انداز و در پاسخ به همین ضرورتها تهیه و تدوین شده که قبلاً از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.



نفت به عنوان ماده اصلی تأمین انرژی در جهان کنونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این زمینه، نفت شناخته شده فعلی زندگی در قسمت اعظم دنیای امروز بدون تولید و مصرف است. نفت غیر ممکن خواهد بود. از این نظر است که مسأله دنیای صنعتی امروز که بیش از دیگر جوامع وابسته نفت است، نمی تواند با این تقاضای و تحولات تولید و مصرف این کالا بنگرد. از طرف دیگر نفت دارای ویژگیهای عمده دیگری در زمینه وضعیت تولید می باشد. از جمله اینکه این کالا از گروه کالاهای کثیف است که قابل تولید مجدد نیست. مقادیر مشخصی از این ملی زندهای طولانی در لایه های از زمین ایجاد شده و لذا ماده ای تمام شدنی است. به علاوه که قسمت عمده و اساسی ذخایر شناخته شده این کالا در مناطقی از جهان قرار گرفته که مراکز عمده مصرف آن نیستند. پس فرصت قابل توجهی از نفت جهان در کشورهای خاص تولید و در کشورهای دیگری مصرف می شود. به علاوه کشورهای تولیدکننده عمدتاً در زمره کشورهای کم توسعه یافته اند و مهابت دارای وضعیت اجتماعی ناپایدار و متزلزل می باشند و لذا مشخص است که تعداد قابل توجهی از کشورهای صنعتی جهان، به ویژه در جهان سرمایه داری، برای ادامه حیات خویش وابسته به تولید این نفت در کشورهای کم توسعه یافته و از نظر سیاسی متزلزل می باشند. در همین حال هر چند تلاشهای عظیمی طی سالهای اخیر برای یافتن منابع انرژی جایگزین نفت در کشورهای صنعتی صورت گرفته و دستاوردهای نیز در این زمینه حاصل شده است، ولی اطلاعات موجود نشان می دهد که جایگزینی قابل توجه سایر منابع به جای نفت به سادگی عملی نیست و حداقل برای ۱۵ تا ۲۰ سال آینده نباید انتظار تحولات اساسی در این زمینه را داشت. پس برای زمانی نسبتاً طولانی نفت به عنوان عامل اساسی تأمین انرژی نقش حساس خود را در تداوم حیات جوامع صنعتی حفظ خواهد کرد.

کشورهای عمده صادر کننده نفت در طول تاریخ

هیچگاه از تأثیر سیاسی این کالا بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خویش رهایی نیافته اند و در آینده نیز رهایی نخواهند یافت. آنچه که احتمالاً تغییر خواهد کرد نوع و کیفیت این تأثیر است نه تأثیر پذیری سیاسی از این کالا.

شاید یکی از حقیقت است که نفت در فاصله ای کوتاه پس از کشف و پیدایش آن، به عاملی سیاسی در روابط بین المللی تبدیل شده و کشورهای عمده صادرکننده آن (ایران، عربستان، عراق، ...) هیچگاه از تأثیر سیاسی این کالا بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خویش رهایی نیافته اند. باید تأکید کرد که این کشورها در آینده نیز از این تأثیر رهایی نخواهند یافت و آنچه که احتمالاً تغییر خواهد کرد نوع و کیفیت این تأثیر است و نه تأثیر پذیری سیاسی از این کالا.

هانگوانگ که قبلاً مطرح شد، کشورهای صنعتی امروز جهان برای تداوم انرژی فعلی زندگی خویش و به عبارتی برای ادامه حیات خود محتاج به این کالا می باشند و برای تأمین قسمت عمده ای از نیاز مصرف نفتی خود وابسته به کشورهای عمده تولیدکننده نفت از یک می باشند. کشورهای صنعتی مورد بحث برای ایجاد اطمینان در تأمین مواد نفتی خود مصورند یکی از طرفی زیر و یا تقابلی از این طرف را انتخاب کرده و در جهت عملی شدن آن بکوشند.

۱. سلطه نظامی بر مناطق نفت خیز جهان.
۲. پذیرش تحولاتی در بافت اقتصادی - اجتماعی کشورهای نفت خیز مشروط بر آنکه این تحولات در

نکات بالا مؤید این نکته است که نفت نه تنها به عنوان کالای اقتصادی مورد توجه اقتصاددانان است، بلکه این کالا مهابتاً به عنصری سیاسی در روابط بین المللی تبدیل شده و نمی توان و نباید انتظار داشت که تقاضای گریه های مربوط به قیمت گذاری، تولید و مصرف نفت صرفاً در اثر عوامل اقتصادی به عمل آید و قطعاً عوامل سیاسی نقش مهمی را در این تصمیم گیریها برعهده خواهند داشت. تاریخ تحولات نفتی از زمان پیدایش این کالا نیز

دورنمای بازار نفت و آینده اقتصاد ایران



چهارچوب ارزش‌های جهان صنعتی بوده و با ایجاد وابستگی‌های مغلوب بین این دو گروه از کشورها، جریان آرام و کالی‌نفت را تثبیت نماید.

۳. پذیرش وابستگی بیش از حد اقتصادی - اجتماعی - سیاسی به کشورهای توسعه‌یافته، تولیدکننده نفت.

۴. سلطه سیاسی - اقتصادی بر مناطق نفت‌خیز جهان. راه حل اول یعنی سلطه نظامی بر مناطق نفت‌خیز جهان، هرچه سابقه است در شرایطی کاملاً اضطراری مورد نظر جهان صنعتی قرار گیرد، اما راه حل مطلوب و محتمل برای آنان نیست. به ویژه که چاههای نفتی از آسیب‌پذیری فراوان برخوردارند و حتی در صورت اشغال کامل نظامی، در دنیای فعلی به سلوگی قابل کنترل نیستند لذا این راه حل می‌تواند منتهی به نتایج محسوس برای جهان صنعتی نباشد و به‌رابطه ریسک فراوانی برای آنان برخوردار است. لذا به نظر می‌رسد که جهان صنعتی جز در شرایطی کاملاً اضطراری به چنین اقدامی دست نخواهد زد.

راه حل دوم که متفکرین پذیرش تحولات اساسی در پالایش اقتصادی - اجتماعی کشورهای نفت‌خیز است نیز با توجه به عقب‌ماندگی شدید پالایش‌های اجتماعی کشورهای نفت‌خیز در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، برای جهان صنعتی راه بردار، تجربه تحولات اساسی در قرن بیستم نشان داده است که تغییر اساسی در پالایش اقتصادی - اجتماعی کشورهای جهان سوم معمولاً مستلزم وقوع انقلابات سیاسی - اجتماعی است و از آنجا که تحولاتی جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که انقلاب و آثار آن قابل برنامه‌ریزی نیست، نتیجه نهایی انقلاب قابل پیش‌بینی نبوده و لذا بسیار پدید است.

که جهان صنعتی حاضر به پذیرش این چنین خط‌خطی نامطمئن سیاسی‌ای در رابطه با کشورهای عمده نفت‌خیز باشد.

راه حل سوم، در حقیقت راه حل نبوده و تسلیم سیاسی است که مستلزم مرده‌پذیری جهان صنعتی نخواهد بود. لذا به نظر می‌رسد که عملاً جهان صنعتی فریب‌دهی جز گرفتار شدن در جهت ایجاد سلطه سیاسی - اقتصادی بر مناطق نفت‌خیز جهان ندارد و با اتخاذ این خط‌خطی نامطمئن خود رفتارهای مخدانه‌ای مستقیم و غیرمستقیم در امور سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشورها به کار گرفته و خواهد گرفت. هدف این مخدانه‌ها عمدتاً حذف چهارچوب‌های اساسی موجود در زندگی سیاسی - اجتماعی این کشورها و در جهت مخالفت اساسی و بنیادی با تحولات انقلابی این

جامع است. بندهی است که در این راستا، جهان صنعتی غرب کوشیده و خواهد کوشید که انقلاب اسلامی ایران را نیز متوقف و با عملاً در جهت بازگشت مغلوب به شرایط قبلی مهار کند. تمامی این نکات بناگرم بر واقعیت است که حرکت جوامعی مانند ایران در مسیر استقلال و خودمختاری حرکتی آرام و بدون مساملت و مشکلات نبوده و نتواند بود. در این زمینه به روش باید دقت داشت. مخالفت‌های جهان صنعتی غرب با انقلاب اسلامی ایران فقط زمانی پایان خواهد گرفت که نسبت به مهار انقلاب در جهت اهداف کلی خود اطمینان لازم را حاصل کرده باشد. بندهی است که توجه چینی به این نکته دارای آثار عمده‌ای در نهمه و تدوین سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی کشور می‌باشد. از جمله این آثار، مسأله پیش‌بینی واقع‌بینانه درآمد ارزی حاصل از بخش نفت و تدوین برنامه اقتصادی کشور بر این اساس است.

در آخر این نوشته به این مسأله باز خواهیم گشت که درآمد ارزی حاصل از بخش نفت به دو عامل قیمت نفت در آینده و امکان گشایش صادراتی نفت ایران بستگی خواهد داشت. لذا در ابتدا به بررسی مختصر این دو عامل می‌پردازیم.

پیش‌بینی قیمت نفت

متغیر سیاسی در زمینه قیمت نفت باعث شده است که مسأله قیمت و قیمت‌گذاری نفت از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار باشد و با توجه به همین نکته با قیاس‌های متعددی در دنیای نفتی مواجه بودیم و هشتمین و دوازدهمین سال طی ۱۵ سال گذشته تحولات چشمی فراوانی در زمینه تعیین اتفاق افتاده است. به عنوان مثال قیمت متوسط یک بشکه نفت خام اوبیک طی سه ماهی ۸۲ - ۱۹۶۲م دارای تحولات زیر بوده است.

سال	قیمت متوسط یک بشکه نفت خام اوبیک
۱۹۶۰	۱/۸ دلار
۱۹۶۳	۲/۸ دلار
۱۹۶۶	۳/۸ دلار
۱۹۶۸	۴/۹ دلار
۱۹۸۱	۳۳/۳۲ دلار
۱۹۸۲	۳۳/۲۲ دلار

قیمت نفت تحت تاثیر

گروه عمده نفت عمده که تحت عنوان عوامل اقتصادی (هزینه‌های تولید، عرضه و تقاضا)، عوامل انحصار (اوبیک، شرکتهای بزرگ نفتی) و عوامل سیاسی (برخوردهای سیاسی کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده) قابل طبقه‌بندی می‌باشند قرار داشته و دارد.

برای فرک و فهم این تغییرات در قیمت نفت و فراهم آوردن امکان پیش‌بینی این قیمت در آینده باید متذکر شد که قیمت نفت تحت تاثیر سه گروه عوامل عمده که تحت عنوان عوامل اقتصادی (هزینه‌های تولید، عرضه، تقاضا)، عوامل انحصار (اوبیک، شرکتهای بزرگ نفتی)، و عوامل سیاسی (برخوردهای سیاسی کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده) قابل طبقه‌بندی می‌باشند قرار داشته و دارد. البته این عوامل از یکدیگر نیز تاثیر می‌پذیرند ولی بطریقی وابستگی نسبی این سه دسته از عوامل، هر گروه از آنها را می‌توان مستقلانه مورد بررسی قرار داد.

عوامل اقتصادی

در این قسمت به بررسی قیمت نفت در شرایط و دنیای پراکنده می‌شود که در آن تقاضا و انحصار و عوامل سیاسی و مالی بر تعیین قیمت نفت تاثیر به‌سزای دارد. در اینجا باید به بررسی این نکته پرداخت که اثر نفت در شرایطی عالی از نظر اقتصادی، تولید و مصرف می‌گردد. قیمت آن در هر صورت تعیین می‌شود. در این حالت از آنجا که نفت قابلیت تولید مجدد ندارد و در همین حال تقاضای جهانی آن هم باید الزاماً ارضاء شود قیمت آن محدود معادل هزینه تولید در واحدهای نفتی تولیدکننده آن خواهد بود. البته در این شرایط تولید ابتدا در تقاطع مشترک می‌شود که هزینه تولید در آنها پایین‌تر است و به تدریج با افزایش تقاضا، تولید در مناطقی با هزینه‌های بیشتر تولید نیز انجام می‌پذیرد. در صورتی که با توجه به شرایط موجود جهانی، تولید و مصرف نفت در دنیای کم‌نوسیتی را از بررسی خود حتماً کنیم، با توجه به اینکه مناطق نفت‌خیز اوبیک قدرت نامیمن تحت دنیای غیر کم‌نوسیتی را دارا است، تولید نیز باشد چرا که می‌دانیم اکثریت کشورهای اوبیک برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز خود ششده به ارز حاصل از بخش نفت خود وابسته می‌باشند. با توجه به این مسأله، در صورتی که ارز حاصل از بخش نفت کمتر به تأمین معیار ارز مورد نیاز آنان باشد، این کشورها جهت حصول ارز مجبور به فروش نفت حتی به قیمتی پایین‌تر از هزینه تولید نفتی می‌باشند. مشروط بر آنکه قیمت نفت در هزینه ارزی تولید پایین‌تر نباشد. لذا حداقل قیمت نفت در این شرایط می‌تواند به‌عنوان قابل توجهی کمتر از حدود ۳ دلار برای هر بشکه نیز باشد.

با توجه به اینکه

اکثریت کشورهای اوبیک برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز خود شدیداً به ارز حاصل از بخش خود وابسته است، می‌باشند در صورتی که ارز نفت قادر به تأمین حداقل ارز مورد نیاز آنها باشد این کشورها مجبور به فروش نفت حتی به قیمتی پایین‌تر از هزینه تولید نفتی می‌باشند.

عوامل انحصاری

اکنون اگر بررسی خود را کمی به دنیای واقعی نزدیکتر سازیم و بدون توجه به عوامل سیاسی، فقط عوامل مربوط به انحصار تولید و یا مصرف را به عوامل قبلی بیفزاییم، چه تعریفی در قیمت نفت پیش خواهد آمد؟ در این وضعیت و در شرایط عدم دخالت عامل سیاسی، وضعیت عرضه و تقاضای نفت پترو است که عملاً فقط انحصار در طرف عرضه امکان پذیر است و عملاً شرکتهای نفتی و کشورهای تولید کننده می توانند با ایجاد انحصار در تعیین قیمت دخالت نمایند. در این شرایط منابع شرکتهای بزرگ نفتی و کشورهای تولیدکننده در یک جهت و در همین قیاسی نهفته است که حداکثر سود را عاید آنان سازد. باید توضیح داد که حاضری این دو گروه انحصاری در این زمینه به سبب مشابهت کامل آنان در شناسی زمینهها نیست. عملاً از یک سو این دو گروه (شرکتهای بزرگ نفتی، کشورهای تولید کننده) سعی خواهد داشت که ضمن حصول حداکثر

می بینیم که تا این مرحله از بحث به این نتیجه رسیده ایم که حداقل قیمت برای هر شیکه نفت، قیمتی کمتر از ۳ دلار و حداکثر قیمت آن در حدود ۵۰ دلار برای هر شیکه می باشد و لذا دامنه وسیعی بین قیمت حداقل و قیمت حداکثر در مورد این کالا موجود است.

عوامل سیاسی

عوامل سیاسی در قیمت تعیین کننده عمدتاً آنند که قیمت واقعی نفت در کدام نقطه از دامنه وسیع حداقل و حداکثر قیمت نفت تعیین خواهد شد. به ویژه که عامل سیاسی

برساخت و کارایی عوامل انحصاری مورد بحث در سمت چپ نیز شدیداً تأثیر می گذارد. دامنه وسیع مورد بحث و

سود در کل بازار نفتی سهم بیشتری از سود مزبور را نصیب خویش کند. بهرحال تا آنجا که به بحث فعلی ما مربوط می شود نکته در این است که قیمت در بالاترین حد، متناسب با تحصیل حداکثر سود تعیین خواهد شد. بالاترین حد ممکن قیمت نفت، قیمتی است که این کالا را از بازار خارج کالاهای دیگر را جایگزین آن سازد. براساس اطلاعات موجود این قیمت برای مصرفار مختلف نفتی متفاوت است و از این نظر قیمت جایگزین بین حدود ۴۰ تا ۶۵ دلار برای هر شیکه تعیین زده شده است. ولی طبیعتاً است که این قیمت حداکثر، قیمت مطلوب انحصارگران عرضه نفت نخواهد بود و قیمت انحصاری احتمالاً در سطحی پایینتر تعیین خواهد شد. از طرفی مسأله جایگزینی برای تمامی مصرفار نفتی به فوریت قابل قیمت نیست به علاوه امکان صرفه جوییهای عمده نیز در زمانهای کوتاه نیز قابل توجه نیست و لذا در کوتاه مدت قیمت انحصاری عرضه کنندگان نزدیک سستی که فوقاً به آن اشار، شد خواهد بود. درحقیقت از حدود ۲-۳ ساله این قیمت خاص عرضی است. قیمت انحصاری مورد بحث در صورت به کارگیری انرژی محاسباتی متناسب، با درصد خطای محدودی قابل محاسبه است و به نظر می رسد که این قیمت در کوتاه مدت در حدود ۵۰ دلار برای هر شیکه باشد.

ریاضیات اقتصادی

می تواند در بلند مدت سازنده باشد و این در صورتی است که برنامه ریزی های اقتصادی متناسب انجام شده و با قاطعیت اجراء شود از طرف دیگر ریاضیات اقتصادی می تواند تنها به فکر و ضعف شدید بینه اقتصادی جامعه منجر شود و این در صورتی است که مشکلات روزمره و برخی مشکلات حل نشده بنیادی امکان تدوین و اجرای برنامه مناسب را فراهم نیآورد.

نقش تعیین کنندگی عامل سیاسی در این دامنه، علت اشتباهات فراوانی است که در پیش بینی های صرفاً اقتصادی قیمت نفت اتفاق افتاده است. اما عوامل تعیین کننده سیاسی گمانه و قیمت ها را در چه حدودی تعیین خواهد کرد؟ اولین نکته قابل ذکر در این زمینه این است که عوامل سیاسی ثابت نیستند و لذا باید بحث را در باره دوره زمانی مشخص مطرح کرد و در اینجا وضعیت فعلی عوامل سیاسی مورد نظر خواهد بود. اظهار نظر تخصصی در این ملاحظات در نوان واقع این منظور نیست، اما اینکه دیدگاه تعدادی از عوامل سیاسی و آثار آنها بر تعیین قیمت نفت اشاره می شود. این عوامل عبارتند از: بحران اقتصادی در کشورهای صنعتی غرب، بدهیهای سنگین جهان سوم، تفاوتی تا کنونی کشورهای عمده صنعتی غرب در برخورد با قیمت نفت (نفتی از شرایط ویژه اقتصادی هر کشور، وضعیت کشورهای غیر نفتی جهان سوم، برخورد های درون کشوری در هر یک از کشورهای صنعتی تولید فریب در رابطه با گروه های فشار سیاسی آنان) از منابع اقتصادی هر گروه، برخورد های کشورهای نفتی با مسأله قیمت نفت و وضعیت تولید و فروش نفت شوروی.

الف - بحران اقتصادی کشورهای صنعتی بلوک غرب.

مדיنات است که جهان غرب با بحران اقتصادی روبروست و آثار این بحران در ترقیهای محدود رشد اقتصادی و درصد نسبتاً بالای بیکاری و تورم قابل مشاهده است. از جمله عواملی که می تواند حداقل در کوتاه مدت محرک برای رشد اقتصادی و کاهش آثار بحران مزبور در این جوامع باشد کاهش قیمت نفت است. به دیگر سخن در صورت کاهش قیمت نفت اقتصاد کشورهای صنعتی غرب می تواند به هزینه کشورهای تولید کننده نفتی، منتهی برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان خود فراهم آورد و با افزایش نرخ

محدودیت ارزی

نفسه نه خوب و نه بد است. اینکه این محدودیت آیا در مجموع سازنده و یا مخرب خواهد بود بستگی به برخورد فعالانه یا غیر فعالانه سیاستهای اقتصادی کشور خواهد داشت.



رشد و کاهش هزینه های تولید ترقیهای بیکاری و تورم حاکم بر این جوامع را تا حدی تعدیل کند لذا این عامل فشاری در جهت کاهش قیمت نفت و تعیین این قیمت در پائینی در دامنه قیمتی مورد بحث در این گزارش می باشد.

ب- بدهیهای سنگین خارجی کشورهای جهان سوم.

بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای غرب می باشد و پارهای از این کشورها با مشکلات عمده اساسی در باز پرداخت این بدهیها مواجهند. این مسأله نیز عامل فشاری در جهت کاهش قیمت نفت و تعیین آن نرخ پائینی در دامنه قیمتی مورد بحث می باشد. چرا که از یکطرف کاهش قیمت نفت از طریق کاهش هزینه های ارزی کشورهای نفتی بندگان، امکانات باز پرداخت بدهی آنان را بطور نسبی افزایش می دهد. از طرف دیگر هر چند کاهش قیمت نفت باز پرداخت بدهی کشورهای نفتی را در کوتاه مدت مشکل می سازد، ولی با توجه به توان بالقوه این کشورها به باز پرداخت بدهی خود این مسأله اهمیت زیادی در نظام وامهای خارجی نیست. چرا که قراردادهای وام کشورهای نفتی به سادگی می تواند تجدید و مدت باز پرداخت آن طولانی تر شود و این عمل نه تنها سود وام دهندگان را کاهش نمی دهد بلکه سود مزبور را افزایش می بخشد.

ج - وضعیت کشورهای غیر نفتی جهان سوم.

بدهیها است که بار ارزی پرداخت هزینه های نفت وارداتی برای این کشورها مشکلاتی را بوجود می آورد و هرگونه کاهش در قیمت نفت برای این گروه از کشورهای طلب است. لذا این مسأله از کشورهای نیز عامل فشاری در جهت کاهش قیمت نفت می باشد.

د - تفاوتی تا کنونی عمده صنعتی غرب در برخورد با قیمت نفت.

دورنمای بازار نفت و آینده اقتصاد ایران

از جهت آثار و زوایا، کشور عمده صنعتی بلوک غرب، پنج کشور آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و کانادا به علت انباشتگی از حد نفت و وارداتی خرواستار کاهش قیمت نفت و کشور آمریکا به علت ملاحظات جهانی و وضعیت تولید نفتی خود خرواستار حطد قیمتهای نفتی در سطحی متعادل، و کشور انگلیس عمدتاً به علت امکانات صادراتی و هماهنگی با سیستمهای خارجی آمریکا خرواستار حطد قیمتهای نفتی در سطحی متعادل می باشد.

۱ - ضرورت توسعه تکنولوژیهای لازم برای تولید کالاهای جایگزین نفت.

از آنجا که ذخایر شناخته شده نفت جهان در زمانی نه چندان دور ششبار کاهش یافته است نادم خرواستارهای غربی به یافتن کالای جایگزین نفتی برای نیازهای قابل توجه نفتی در کشورهای جهان غرب محتاج است ولی در شرایطی که قیمتهای نفت پایین است این کار قابل محقق نیست. لذا این ننگ عامل فشاری در جهت افزایش قیمت نفت می باشد. با اینکه باید توجه کرد که در شرایطی که قیمت نفت پایین است کشورهای صنعتی راه حل برای این مشکل دارند و لذا اثر این عامل بر قیمت نفت جهت احتیاطی قابل توجه نیست. راه حل مورد بحث وضع مالیات بر مصرف مواد نفتی در داخل این کشورها و تخصیص تمام یا قسمتی از منابع حاصله به عنوان سوسه سرمایه گذاریهای مرتبط می باشد.

۲ - وضعیت خرواستارهای اعمار غرب که کمکیهای اقتصادی دریافت می کند.

این کشورها (مصر، ایران، مراکش و...) عمدتاً کمکیهای قابل توجهی از کشورهای غرب تولید کننده نفت دریافت می دارند. کاهش قیمت نفت حیاتیاً به کاهش این کمکیها منتهی شده و مشکلاتی را برای آنان ایجاد می کند. لذا وضعیت این کشورها خود عاملی در جهت افزایش قیمت نفت است. البته در این زمینه نیز کشورهای صنعتی غرب می توانند با دست زدن به خط مشیهای مناسب آنچه به بند قلبی نه از اشاره شد مانده مشکل را محدود سازند. لذا این عامل نیز احتمالاً تأثیر جزئی بر تعیین قیمت نفت ندارد.

۳ - وضعیت تولید و فروش نفت توسط شوروی

کشور صنعتی شوروی مهمترین تولید کننده نفت در جهان و اکثر اسامی نامین کنندگان نفت کشورهای غربی می باشد. لذا کاهش قیمت نفت می تواند در کوتاه مدت و شرایطی مشکلاتی را برای شوروی و بلوک تحت نفوذ آن بوجود آورد. لذا این عامل در جهت افزایش قیمت نفت می تواند مؤثر باشد.

۴ - برزخدهای درون گروهی در کشورهای صنعتی بلوک غرب.

گروههای مختلف صاحب نفوذ در سیاستگذاری و خرید کشورهای غربی ضمن فراهم و هماهنگی استراتژیهای بلند مدت در زمینه تعیین قیمت نفت در کوتاه مدت دارای هماهنگی کامل در این زمینه نیستند. در این کشورها، شرکتها، بزرگ نفتی و سازماندهان عمده و سازمان تجارت نفتی عمدتاً طرفدار تعیین قیمتی بالاتر از نفت و سایر ظروفهای دیگوه طرفدار تعیین پایینتر قیمت نفت می باشد.

۵ - کشورهای عضو اوپک

تصادی از کشورهای عضو اوپک عمدتاً عربستان

امارات متحده و عراق به علت مختلفه و به ویژه در رابطه با نحوه برخوردشان با انقلاب اسلامی ایران و مسأله جنگ تحمیلی خرواستار قیمتهای ارزانی تر برای نفت، حداقل برای چند سال آینده می باشد. گروهی دیگر از اعضای اوپک از جمله ایران، لیبی، الجزایر و ونزوئلا به علت مختلفه اینتلوزنیک و نیاز آرزوی خرواستار افزایش قیمتهای نفتی می باشد.

در تحلیل نهائی و علیرغم پیچیدگیهای فراوان در پیش سوی قیمت نفت، به نظر می رسد که در عامل در شرایط حاضر نفتی تعیین کننده ای را برعهده خواهند داشت. عامل اول را می توان عامل غیر اوپک نامید که عمدتاً برآیند اثر عوامل سیاسی فوق الذکر است. این عامل به ویژه با توجه به نثرات آمریکا و شوروی و در زمینه دست یافتن به قیمت نفت در حدود ۱۵ دلار در هر بشکه برای چند سال آینده تثبیت شود.

عامل دوم می تواند تحت عنوان عامل اوپک نامیده شود و عمدتاً متأثر از جهت گیری ایران در رابطه با جنگ تحمیلی، نتیجه نهائی این جنگ و درجه هماهنگی عربستان با کشورهای جبهه واردکنان اوپک خواهد بود. بر صورتی که عربستان ایران در جهت هماهنگی جنگ و پیروزی نسبتاً سریع بر عراق، این عامل در جهت افزایش قیمت نفتی بسیار مؤثر و تعیین کننده است. در هر بشکه برای چند سال آینده قیمت خواهد کرد. هر چند این چنین افزایشی می تواند با عکس العمل شدید کشورهای غربی روبرو شود ولی دوره بحرانی این افزایش از نظر زمانی دوره ای کوتاه خواهد بود و در صورتی که در این دوره کوتاه، ایران اوپک با احتیاط لازم یا مسأله برخورد کند، غرب چاره ای جز پذیرش این افزایش قیمت نخواهد داشت. اما در صورت عدم تحقق وضعیت فوق و به ویژه در صورت عدم تعدیل در خط مشی سازش نامبر، فعلی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نفت تحمیلی، اوپک قطعاً در جهت کاهش قیمت نفت، قدمتهای مهمی خواهد داشتند. قیمت مطلوب عربستان در این شرایط احتمالاً در حدود ۱۰ دلار بر هر بشکه خواهد بود ولی تلقی این عامل و عوامل غیر اوپک می در این شرایط نیز قیمت بالاتری را بر عربستان تحمیل خواهد کرد و احتمالاً توافق در این شرایط در حول و حوش ۱۰ دلار در هر بشکه تعیین خواهد شد.

اما همانگونه که در فستهای قبلی متذکر شدیم قیمت نفت تمام تعیین کننده درآمد آرزوی ایران از حطد صادرات، میزان تولید و حداقل ۲ میلیارد دلار نیز در تعیین مبالغه از تولید و میزان آرزوی موزتر خواهد بود. این عوامل عبارتند از: قدرت صادراتی نفت کشور و هزینه های تولید و صادرات، در این زمینه نیز ضمانت احداث قبل و وضعیت قبالی پیش می آید.

۱ - اوپک و پیوستن سایر عرب در جنگ و عدم تحقق صلحا

وضعیت در شرایط پیوستن سایر عرب در حطد صادراتی از نظر بازار در دسترس و هزینه های صادرات، برای اوپک وضعیت مطلوبی را بوجود خواهد آورد. میزان صادرات نفتی ایران توان تولید صادراتی خود تعیین خواهد کرد و این صورت و به ویژه در شرایط عدم تعدیل خط مشی سازش نامبر ایران در رابطه با جنگ باید انتظار و مشکلات بیشتری را در جهت بازار صادراتی و هزینه های صادراتی داشت. در این شرایط درآمد آرزوی کشور با محدودیت شدید مواجه خواهد بود.

۲ - درپایان باید متذکر شد که محدودیت آرزوی مورد بحث فی

نفسه نه کشور میسر است و نه دیگر سخن می تواند در کشورهای صحرایی، با دیده باشد. اینکه این محدودیت با این مجموع سازند و با مخرب خواهد بود. سنگینی به برخورد با اهداف با پیوستن سایر کشورهای صنعتی خواهد شد. در ابتدا باید به عنوان یک واقعیت پذیرفت که بهیچ صورت این محدودیت آرزوی به معنای دریافت اقتصادی به ویژه در صحنه مصرف خواهد بود. اما این زیانست می تواند برآمده پیوستن شده و در بلند مدت، سازنده باشد و این صورتی است که برنامدهای نفتی اقتصادی متناسب با حجم صادرات و با قاطعیت اجراء شود از طرف دیگر زیانست



اقتصادی مورد بحث می تواند تنها به فقر و ضعف شدید بهیچ اقتصادی جامعه منحصر شود و این در صورتی است که مشکلات فراوان روزمره جامعه و برشی مشکلات حل نشده فراوان ترست و امکان تدوین و اجرای برنامه مناسب را فراهم نیاورد. نکات فستهای که در تدوین برنامه اقتصادی مناسب مورد بحث باید مورد تأکید قرار گیرد عبارتند از:

۱ - تدوین و اجرای برنامه ای اساساً مصرف حداقل آرزوی که در شرایط نامطلوب برای کشور قابل حصول است. به عبارت دیگر آن است که کشور پذیرای ریاضت اقتصادی مورد بحث باشد.

۲ - برخورد سریع و قاطع با مسأله توزیع درآمد در جهت تعدیل اساسی نابرابریها موجود در این زمینه. این نکته به ویژه برای اعضای - سیاسی کشور را برای تحیل ریاضت اقتصادی مورد بحث به قدر قابل توجهی افزایش داد و امکان جهت گیریهای سالم تولیدی را فراهم خواهد آورد.

۳ - تأکید بر ابراهم آوردن انگیزه های لازم برای گذشت فعالیتهای تولیدی در بخشهای کشاورزی، صنعت و معدن و تدوین و اجرای فرایط و مقررات لازم برای سمود کردن فعالیت بخشهای خدماتی غیرصنوعی.

۴ - تدوین و اجرای برنامه لازم جهت افزایش کارایی در دستگاهها و موسسات دولتی.

۵ - کاهش در استفاده از مطلوب از فستهای موجود و تلاش در کاهش نرخ اشتغال صحرایی.

۶ - ضد جنگ کردن آرزوها و اسباب در زمینه عبارت برآمده از جنگ تحمیلی. مورد بحث باید از ابتدای شروع در این جهت پیاده گیری شود که امکانات واقعی برنامه ریزی و اجرایی کشور را محاسبی کرد.

۷ - بالا بردن همین نکته اینکه پیش بینی کرد در ادوای این مقاله صورت می گیرد. فستهای زیانست و هیچ انتظاری در هر دوره ندارد که این پیش بینیها جزا اتفاق افتاد باشد. بلکه هدف اصلی این پیش بینیها، آشنای رضامندی برای احتراز از استسهای نامطلوب پیش بینی است. به این معنی، در صورت اتفاق ناخبر صمیم، نه تنها این انتظار داشت که همه پیش بینیها دنیا حطد شد، بلکه باید دقیقاً به دنبال تدبیر جنبه های نامطلوب احتمالی حوادث این بود.

۸ - این چهارچوب باید تأکید کرد که اگر ایران در نهی و تدوین و اجرای برنامه ای مناسب موفق شود مسلماً بتدریج در موقعیتهای فراوانی خروج از وابستگی قرار خواهد گرفت و خواهد توانست با اعمال نظرات خود در زمینه قیمت صادرات نفت مؤلفتهای کسب کرده و به قیمتهای بالاتری دست یافته و برآمدهای آرزوی بیشتری نیز بدست آورد.